

## بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های تفکر با رضایت از زندگی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

هوشنگ گراوند

استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. ایمیل: garavand.h@lu.ac.ir

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های تفکر با رضایت از زندگی در دانشجویان انجام گرفت. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری در این پژوهش کلیه‌ی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد بودند. از جامعه آماری مذکور نمونه‌ای به حجم ۳۵۲ نفر (۳۰ درصد مرد و ۷۰ درصد زن) به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌های سبک‌های تفکر استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۲) و رضایت از زندگی داینر (۱۹۸۵) بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی گام به گام، آزمون t گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک‌های تفکر اجرایی، قضایی، تک‌سالاری، سلسله‌مراتبی، هرج و مرج سالاری، کلی، جزئی، بیرونی و آزادمنشانه با رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (p < ۰/۰۱)؛ اما بین سبک‌های تفکر قانون‌گذار، گروه‌سالاری، درونی و محافظه‌کار با رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد (p > ۰/۰۵). علاوه بر این براساس نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام، از بین متغیرهای پیش بین وارد شده در تحلیل، سبک‌های تفکر قضایی و سلسله‌مراتبی با هم ۵ درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند. همچنین نتایج آزمون t گروه‌های مستقل نشان داد که میانگین رضایت از زندگی دانشجویان دختر بیشتر از پسر می‌باشد (p < ۰/۰۵). همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه نشان داد که بین میانگین رضایت از زندگی دانشجویان گروه‌های آموزشی مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد (p > ۰/۰۵).

**واژگان کلیدی:** سبک‌های تفکر، رضایت از زندگی، دانشجویان.

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مهدویت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

## ۱- مقدمه

دانشجویان یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین اقشار جامعه هستند که به دلیل حجم زیاد دروس، دوری از خانواده و مشکلات اقتصادی، مستعد کمبود و فقدان سلامت روانی و قرار گرفتن در موقعیت‌های نامناسب اجتماعی می‌باشند (سلیمانی، رضایی و نظری، ۱۳۹۴). یکی از شاخص‌های سلامت روان، رضایت از زندگی است (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴) که به معنای نگرش و ارزیابی عمومی فرد نسبت به کلیت زندگی خود و یا برخی از جنبه‌های آن شامل، زندگی خانوادگی و تجربه‌های فردی می‌باشد (سلطانی زاده و همکاران، ۱۳۸۷). سلامت روان در دو قالب فقدان بیماری روانی و احساس رضایتمندی و لذت از زندگی، مورد توجه بسیاری از متخصصان و کارشناسان این حوزه است (تئودور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱؛ به نقل از امین خندقی و پاکمهر، ۱۳۹۰). در سال‌های اخیر پژوهش‌های بسیاری در مورد کیفیت زندگی افراد از دو دیدگاه عینی و فاعلی انجام شده است. دیدگاه عینی به شرایط بیرونی مانند میزان درآمد، کیفیت مسکن، شبکه‌های دوستی، و دسترسی به خدمات بهداشتی توجه می‌کند. در مقابل دیدگاه فاعلی بر قضاوت افراد درباره رضایت از زندگی با توجه به کل زندگی یا حیطه‌های خاص آن مانند رضایت از دوستان، رضایت از خانواده و رضایت از تجربه‌های تحصیلی تاکید می‌ورزد (زولینگ، والوا، هیوبنر و درین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). رضایت از زندگی به عنوان ارزیابی کلی کیفیت زندگی بر اساس ملاک‌های انتخاب شده عبارت است از مقایسه بین شرایط زندگی با ملاک‌های شخصی افراد هنگامی سطوح بالای رضایت از زندگی را تجربه می‌کنند که شرایط زندگی آنها با ملاک‌های را که برای خود تعیین کرده‌اند، مطابقت داشته باشند. رضایت از زندگی را می‌توان به عنوان جامع ترین ارزیابی افراد از شرایط زندگی خود در نظر گرفت (داینر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰).

استرنبرگ<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) در نظریه‌ی خود مدیریتی ذهنی<sup>۵</sup> خویش بیان می‌کند که سبک‌های تفکر، شیوه‌های ترجیحی افراد در به کارگیری توانایی‌هایشان می‌باشد. مفهوم اصلی این سازه این است که افراد به نوعی نیازمند سبک‌های تفکر برای مدیریت یا اداره کردن فعالیت‌های روزمره‌یشان هستند (فان و ژانگ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹). سبک‌ها می‌توانند برحسب ساختارهای اندیشه‌ی بشری از حکومت درک شوند. بر اساس این دیدگاه سبک‌ها نه تنها تصادفی نیستند، بلکه بیشتر بازتاب‌های بیرونی شیوه‌هایی می‌باشند که افراد می‌توانند خودشان را سازمان داده و اداره کنند (استرنبرگ و ژانگ، ۲۰۰۵). افراد تمایل دارند فعالیت‌هایشان را بوسیله‌ی انتخاب سبک‌هایی که برایشان خوشایندند، اداره کنند. با این وجود، سبک‌ها به خودی خود "خوب" یا "بد" نیستند، بلکه سودمندی یک

1. Theodore

2. Zullig, Valois, Huebner & Drane

3. Diener

4. Sternberg

5. mental self-government

6. Fan & Zhang

سبک برای یک فرد متقابلاً تحت تاثیر وظیفه‌ای که فرد در حال انجام آن هست و موقعیتی که وظیفه در آن انجام می شود، می- باشد (ژانگ، ۲۰۰۱).

نظریه خود مدیریتی ذهنی استرنبرگ (استرنبرگ، ۱۹۹۷) ۱۳ سبک تفکر را در قالب ۵ بعد شامل: کارکردها، شکل‌ها، سطوح، حوزه‌ها و گرایش‌ها از یکدیگر متمایز می‌کند:

۱. کارکردها: برای خود مدیریتی ذهنی سه کارکرد می‌توان تصور کرد که عبارتند از: قانون‌گذار، قضایی و اجرایی. سبک قانون‌گذار: افراد با سبک تفکر قانون‌گذار از کار کردن بر روی تکالیفی لذت می‌برند که به راهبردهای خلاق نیاز دارند (ژانگ، ۲۰۰۸). سبک قضایی: افراد با سبک تفکر قضایی موقعیت‌هایی را ترجیح می‌دهند که نیاز به ارزیابی، تحلیل، مقایسه و قضاوت درباره ایده‌ها، استراتژی‌ها و پروژه‌های موجود دارند (استرنبرگ و ژانگ، ۲۰۰۵). سبک اجرایی: افراد با سبک تفکر اجرایی، بیشتر علاقمند به انجام تکالیفی هستند که دارای ساختارهای صریح و روشن می‌باشد (ژانگ، ۲۰۰۶).

۲- شکل‌ها: شامل سبک‌های تفکر سلسله مراتبی (اولویت بندی تکالیف فردی)، سلطنتی (کار روی یک تکلیف در یک زمان)، الگبارشی (کار روی تکالیف چندگانه اولویت بندی) و هرج و مرج طلب (کار روی تکالیفی بدون محدودیت درباره «چه»، «کجا»، «کی» و «چگونه» انجام دادن کارها).

۳. سطوح: خود مدیریتی ذهنی در دو سطح انجام می پذیرد: کلی نگر و جزئی نگر. سبک کلی‌نگر: افراد با سبک تفکر کلی‌نگر ترجیح می‌دهند تا توجه خود را بر روی تصویر کلی یک موضوع معطوف دارند و بر عقاید انتزاعی متمرکز شوند. سبک جزئی‌نگر: افراد با سبک تفکر جزئی‌نگر تکالیف و موقعیت‌هایی را ترجیح می‌دهند که به آن‌ها اجازه‌ی کار بر روی ابعاد ویژه و اصلی یک موضوع و جزئیات عینی آن را می‌دهد (ژانگ، ۲۰۰۸).

۴. حوزه‌ها: خود مدیریتی ذهنی شامل دو حوزه می‌باشد: برون‌نگر و درون‌نگر. سبک برون‌نگر: افراد با سبک تفکر برون‌نگر تکالیف و موقعیت‌هایی را ترجیح می‌دهند که فرصت لازم برای تعامل با دیگران را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. سبک درون‌نگر: افراد با سبک تفکر درون‌نگر تکالیف و موقعیت‌هایی را ترجیح می‌دهند که به آن‌ها اجازه‌ی لازم جهت انجام تکلیف به طور مستقل را می‌دهد (ژانگ، ۲۰۰۸).

۵. گرایش‌ها: در خود مدیریتی ذهنی دو گرایش وجود دارد: آزاداندیش و محافظه‌کار. سبک آزاداندیش: افراد با سبک تفکر آزاداندیش تکالیف و موقعیت‌هایی را ترجیح می‌دهند که شامل حرکت فراسوی قوانین و روش‌های انجام کار موجود و حداکثرسازی تغییر می‌باشند (استرنبرگ و ژانگ، ۲۰۰۵). سبک محافظه‌کار: افراد با سبک تفکر محافظه‌کارانه متمایل به رعایت قوانین و روش‌های موجود در انجام تکلیف می‌باشند (ژانگ، ۲۰۰۸).

حسن زهی، شه بخش شریفی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین سبک های تفکر و شادکامی معلمان مدارس ابتدایی شهر زاهدان انجام دادند. یافته های توصیفی نشان می دهد که سبک تفکر غالب در میان معلمان، تفکر قانون گذار می باشد. تحلیل استنباطی داده ها نشان می دهد که بین سبک های تفکر قانون گذار، اجرایی، قضایی، کلی نگر، جزئی نگر، درون نگر، برون نگر، آزاداندیش و محافظه کار با شادکامی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. سبک تفکر اجرایی بیشتر نقش را در شادکامی معلمان داشته است.

ضرب استجابی، برماس و بهرامی (۱۳۹۲) پژوهشی با هدف بررسی رابطه سبک های تفکر با رضایت زناشویی و بهزیستی روان شناختی در میان دانشجویان متأهل انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک تفکر و رضایت زناشویی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. همچنین رابطه بین سبک تفکر قانون گذار و بهزیستی روان شناختی به صورت مستقیم و معنادار به دست آمد. آقایوسفی و شریف (۱۳۸۹) پژوهشی با هدف تحلیل رابطه سبک های تفکر با بهزیستی شخصی انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک های تفکر قانون گذار و قضایی با بهزیستی شخصی همبستگی مثبت و رابطه معناداری وجود دارد، ولی نتایج رگرسیون نشان داد که سبک تفکر اجرایی پیش بینی کننده مناسبی برای بهزیستی نیست. در مجموع نتیجه گرفتیم با افزایش بهزیستی شخصی، دانش آموزان بیشتر به سبک های تفکر خلاق و تحلیل گر و کمتر به سبک تفکر اطاعت پذیر گرایش دارند. جینتر<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۲) در پژوهشی نشان دادند که به طور کلی همه ابعاد سبک های تفکر از جمله قانون گذار، قضایی، کلی، جزئی، درونی و بیرونی و حفظ این سبک ها برای سازماندهی موقعیت ها در آینده با سلامت و بهزیستی شخصی و عمومی افراد رابطه معناداری دارد و همچنین در پژوهشی دیگر نشان داده شد برای ارتقاء بهزیستی عمومی نیاز به درک و تغییر مناسب ساختارها و سبک های تفکر افراد وجود دارد (لسچو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). در پژوهش دیگر نشان داده شد بین سبک تفکر اجرایی با بهزیستی و سلامت افراد همبستگی مثبت وجود دارد و همچنین تفکر اجرایی بهبود عملکرد شناختی و کاهش پرخاشگری در افراد را باعث می شود (پاسکا و فیش بین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). چن<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان داد نحوه تفکر افراد به صورت خلاق و قانون گذار بر بهزیستی شخصی آنها تأثیر دارد.

همچنین بررسی پیشنهادی تحقیق نشان می دهد که رابطه بین دو متغیر، سبک های تفکر و رضایت از زندگی به صورت همزمان مطالعه نشده و یک خلاء پژوهشی در این زمینه وجود دارد. مسئله اصلی که در این زمینه وجود دارد این است که به نظر می رسد بعضی از سبک های تفکر، با رضایت از زندگی همخوانی بیشتر و بعضی ها همخوانی کمتری دارند و می توانند

1 . Ginter  
 2 . Leischow  
 3 . Paschall & Fishbein  
 4 . Chen

میزان رضایت از زندگی را پیش‌بینی کنند. بنابراین با عنایت به اهمیت مسئله سبک های تفکر و نقش آنها در همه ابعاد زندگی، هدف و سؤال اصلی پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که آیا می توان از طریق ابعاد سبک های تفکر، میزان رضایت از زندگی در دانشجویان را پیش بینی کرد؟

## ۲- روش

روش پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، توصیفی- همبستگی انتخاب شد. جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد که تعداد آنها برابر با ۱۲۶۶۸ نفر بود. روش نمونه‌گیری، طبقه‌ای متناسب بر حسب دانشکده و جنسیت تعیین شد. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان برای دانشجویان کارشناسی ۳۵۲ نفر تعیین گردید.

### ابزارهای جمع آوری داده ها:

#### پرسشنامه سبک‌های تفکر استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۲):

پرسشنامه سبک‌های تفکر، یک آزمون مداد کاغذی است که به وسیله استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۲) طراحی شده و در آن پاسخ هر سوال روی یک مقیاس هفت درجه‌ای مشخص و با استفاده از روش لیکرت با نمره‌های (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷) برای هرگز نمره گذاری می‌شود. استرنبرگ و همکاران به منظور بررسی پایایی پرسشنامه سبک‌های تفکر مطالعات مفصلی انجام دادند، ضریب پایایی خرده آزمونها از ۰/۵۶ برای سبک اجرایی تا ۰/۸۸ برای سبک کلی با میانگینی برابر ۰/۷۸ به دست آمده است. برای روایی پرسشنامه سبک‌های تفکر استرنبرگ و همکاران از تحلیل عاملی استفاده کردند که ۵ عامل را با قدرت تبیین ۰/۷۰ درصد واریانس و با معرفی عامل اول (سبک‌های محافظه کاری، اجرایی، آزادمنش و قانونگذاری)؛ عامل دوم (سبک‌های قضایی، گروه سالاری)؛ عامل سوم (سبک بیرونی و سبک درونی)؛ عامل چهارم (سبک جزئی و سبک کلی)؛ و عامل پنجم (سبک سلسله مراتبی) را گزارش نمودند. در این پژوهش ما از فرم هنجاریابی شده سبک‌های تفکر (۵۶ سوالی) توسط مهدوی شکیب (۱۳۹۰) استفاده کرده‌ایم. مهدوی شکیب (۱۳۹۰) برای بررسی پایایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها از روش پایایی بازآزمایی استفاده کرد که این ضریب برابر ۰/۹۲ به دست آمد. همچنین میانگین ضرایب آلفای کرانباخ خرده آزمونها را برابر ۰/۶۴ به دست آورد. همچنین برای احراز روایی پرسشنامه از تحلیل عاملی استفاده کرد که ۴ عامل را با قدرت تبیین ۰/۷۷ شناسایی نمود که عامل اول شامل (سبک‌های قانونی، گروه سالاری، هرج و مرج سالاری، کلی، جزئی، درونی)؛ عامل دوم شامل سبک‌های (اجرایی، قضایی و سلسله مراتبی)؛ عامل سوم شامل سبک‌های (تک سالاری و محافظه کارانه)؛ و عامل چهارم شامل سبک‌های (بیرونی و آزاد منشانه) می شد. سبک قانونگذاری شامل سوالات (۲۴، ۱، ۴۱، ۳۰)؛ اجرایی (۳۴، ۲، ۴۶، ۵۲، ۱۳)؛ قضایی (۱۴، ۳، ۳۵،

۲۳، ۴۲، ۵۶، تک سالاری (۲۹، ۴، ۴۵)؛ سلسله مراتبی (۲۲، ۴۰، ۵)؛ گروه سالاری (۵۴، ۴۷، ۳۱، ۲۵)؛ هرج و مرج سالاری (۱۹، ۳۹، ۳۶، ۱۵)؛ کلی (۶، ۱۲، ۵۳، ۲۱، ۴۸)؛ جزئی (۱۶، ۳۳، ۴۴، ۱۸)؛ درونی (۳۷، ۱۰، ۷، ۲۸)؛ بیرونی (۵۱، ۸، ۴۹، ۲۶)؛ آزادمنش (۴۳، ۱۷، ۳۲، ۹، ۵۵)؛ محافظه کاری (۲۷، ۵۰، ۲۰، ۳۸، ۱۱) می باشند. در این پژوهش آلفای کرانباخ آنها به ترتیب شامل ۰/۵۸، ۰/۶۰، ۰/۷۰، ۰/۲۷، ۰/۵۶، ۰/۵۹، ۰/۳۵، ۰/۶۷، ۰/۵۳، ۰/۷۵، ۰/۷۰، ۰/۷۲، ۰/۶۳ به دست آمد.

### مقیاس رضایت از زندگی داینر و همکاران (۱۹۸۵):

این مقیاس توسط داینر و همکاران در سال ۱۹۸۵ برای اندازه گیری رضایت از زندگی در بعد شناختی بهزیستی ذهنی به کار گرفته شده است. مقیاس دارای ۵ ماده است و هر ماده هفت گزینه دارد که پاسخدهندگان میزان رضایت خود را از یک (کاملاً مخالفم) تا هفت (کاملاً موافقم) نشان می دهند. میانگین یک به معنای عدم رضایت از زندگی و میانگین هفت به معنای رضایت کامل از زندگی است. اعتبار آزمون با روش دونیمه کردن ۰/۸۷ و با روش باز آزمایی ۰/۸۲ گزارش شده است. اعتبار قابل قبولی با بهره گیری از مقیاس های خودگزارشی و ملاکهای خارجی مانند گزارش همسالان، مقیاس حافظه و درجه بندی های بالینی گزارش شده است (پووت و همکاران، ۱۹۹۱). در تحقیق بین فرهنگی ایشی (۲۰۰۰) در بین ۳۹ کشور مورد مطالعه، آلفای کرانباخ از ۰/۴۱ تا ۰/۹۴ میانگین ۰/۷۸ و انحراف معیار ۰/۰۹ گزارش شد. آلفای کرانباخ مقیاس در حجم نمونه ۸۸۸ نفری و ۷۳۱ نفری به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۶ به دست آمده است. و همچنین در بررسی های چندگانه اعتبار افتراقی و اعتبار همگرایی بالایی بین این مقیاس با مقیاس عاطفه مثبت و منفی مشخص شد. اعتبار فرم ایرانی آزمون به کمک مقیاسه با آزمون عاطفه مثبت و منفی مورد ارزیابی قرار گرفت و همبستگی مثبت و معنی داری با مقیاس عاطفه مثبت و همبستگی منفی معنی داری با مقیاس عاطفه منفی مشخص شد (مضفری، ۱۳۸۲). غضفری (۱۳۸۲) با اجرای روی ۱۴۷ دانشجوی پسر و دختر ایرانی و ۱۲۱ دانشجوی پسر و دختر کانادایی آلفای کرانباخ ۰/۸۸ را گزارش کرده است. شیخی و همکاران (۱۳۸۹) این مقیاس را بر روی ۴۰۰ دانشجوی (۲۰۰ دختر، ۲۰۰ پسر) اجرا کردند نتایج نشان داد هماهنگی درونی مقیاس برابر با ۰/۸۵ و پایایی بازآزمایی آن برابر ۰/۷۷ می باشد همچنین نتایج تحلیل عاملی تائیدی و اکتشافی نشان داد که مقیاس رضایت از زندگی تک عاملی است.

### ۳- یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخصهای آماری، مانند میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای مورد مطالعه است. تعداد کل دانشجویان ۳۵۲ نفر می باشد میانگین و انحراف معیار آنها در سبک تفکر قانون گذار به ترتیب برابر (۲۰/۱۵، ۳/۸۱)، اجرایی (۲۴/۰۶، ۴/۶۰)، قضایی (۳۰/۹۰، ۵/۱۴)، تک سالاری (۱۲/۷۲، ۳/۲۹)، سلسله مراتبی (۱۵/۸۲، ۲/۹۱)، گروه سالاری

(۴/۳۲، ۱۵/۱۸)، هرج و مرج سالاری (۳/۶۷، ۱۷/۹۵)، کلی (۴/۸۸، ۲۲/۹۵)، جزئی (۴/۲۰، ۱۶/۹۸)، درونی (۴/۷۲، ۱۵/۸۹)، بیرونی (۴/۰۹، ۲۱/۳۷)، آزادمنشانه (۴/۹۴، ۲۵/۷۸)، و محافظه کارانه (۴/۹۵، ۲۱/۰۹) می باشد. همچنین میانگین و انحراف معیار کل آزمودنی‌ها در رضایت از زندگی برابر (۲۰/۶۰، ۷/۱۱) می باشد.

برای بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های تفکر و رضایت از زندگی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در قالب جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: همبستگی بین سبک های تفکر و رضایت از زندگی

سبک های تفکر	رضایت از زندگی
قانون گذار	۰/۰۵
اجرایی	*۰/۱۲
قضایی	**۰/۲۰
تک سالاری	*۰/۱۴
سلسله مراتبی	*۰/۱۴
گروه سالاری	۰/۰۵
هرج و مرج سالاری	**۰/۱۸
کلی	*۰/۱۳
جزئی	*۰/۱۳
درونی	۰/۰۴
بیرونی	**۰/۱۵
آزادمنشانه	*۰/۱۳
محافظه کارانه	۰/۰۹

\*\* همبستگی در سطح  $p < 0/01$  \* همبستگی در سطح  $p < 0/05$

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک‌های تفکر اجرایی، قضایی، تک‌سالاری، سلسله‌مراتبی، هرج و مرج سالاری، کلی، جزئی، بیرونی و آزادمنشانه با رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $p < 0/01$ )؛ اما بین سبک‌های تفکر قانون‌گذار، گروه‌سالاری، درونی و محافظه‌کار با رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد ( $p > 0/05$ ).

زمانیکه تعداد متغیرهای مستقل زیاد باشد برای پیدا کردن معادله رگرسیون بهتر است از رگرسیون گام به گام استفاده شود، چون متداولترین روش می باشد. در این روش متغیرها بر اساس نظم تعیین شده ای که محقق تعیین می کند، یکی پس از

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدرسه آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

دیگری وارد معادله رگرسیون می شوند. بدین ترتیب که ابتدا مهمترین عامل رگرسیون که باعث افزایش هرچه سریعتر  $R^2$  می شود وارد معادله رگرسیون می گردد به همین ترتیب متغیرهای بعدی تعیین می گردد. (منصور فر، ۱۳۸۸).  
در جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی رضایت از زندگی از طریق سبک‌های تفکر آورده شده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی چندگانه و ضرایب تعیین برای سبک‌های تفکر

گام‌ها	متغیرهای پیش‌بین باقی‌مانده در تحلیل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین ( $R^2$ )	آماره F	سطح معناداری
گام ۱	قضایی	۰/۲۰	۰/۰۴	۱۴/۵۵	۰/۰۰۱
گام ۲	قضایی + هرج و مرج سالاری	۰/۲۲۶	۰/۰۵۱	۹/۳۹	۰/۰۰۱

همانطوری که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهند، تحلیل رگرسیون اجرا شده در دو گام صورت گرفته است، که در این دو گام از بین متغیرهای پیش‌بین وارد شده در تحلیل، بر اساس بیشترین سطح معناداری سبک تفکر قضایی به تنهایی ۴ درصد ( $R^2 = 0.04, F = 14.55, sig < 0.001$ ) و سبک‌های تفکر قضایی و هرج و مرج سالاری با هم ۵ درصد ( $R^2 = 0.051, F = 9.39, sig < 0.001$ ) از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند.

جدول ۳: ضرایب رگرسیون استاندارد شده ( $\beta$ ) و آزمون‌های معنی‌داری مربوطه t

گام‌ها	متغیرهای پیش‌بین	ضرایب بتا ( $\beta$ )	آماره t	سطح معنی‌داری (sig)
گام اول	قضایی	۰/۲۰	۳/۸۱	۰/۰۰۱
گام دوم	قضایی	۰/۱۵۳	۲/۶۸	۰/۰۰۸
	هرج و مرج سالاری	۰/۱۱۶	۲/۰۲	۰/۰۴۴

همانطوری که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهند، از بین متغیرهای پیش‌بین وارد شده در تحلیل بر اساس بیشترین سطح معناداری سبک‌های تفکر قضایی و هرج و مرج سالاری در تحلیل باقی‌مانده و سایر سبک‌ها از تحلیل خارج شده‌اند.  
برای آزمون این فرضیه که بین رضایت از زندگی بر اساس جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد که نتایج آن در قالب جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴: نتایج حاصل از آزمون t بین دانشجویان دختر و پسر در کل مقیاس رضایت از زندگی

sig	t	df	متغیر		کل مقیاس رضایت از زندگی
			پسر	دختر	
۰/۰۱۶	۲/۴۱	۳۵۰	انحراف معیار میانگین ۷/۵۹	انحراف معیار میانگین ۶/۸۴	۲۱/۱۷



# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

در ابتدا آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها گرفته شد که نتایج آن نشان داد واریانس دو گروه در رضایت از زندگی برابر است چون  $p$  به دست آمده بزرگتر از  $0/05$  بودند بنابراین فرض صفر که بیان می‌کند واریانس‌ها با هم برابر هستند تأیید شد. نتایج آزمون  $t$  نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر در کل مقیاس رضایت از زندگی تفاوت معناداری وجود دارد ( $t(350) = 2/41, p = 0/000$ ). به طوریکه می‌توان نتیجه گرفت میزان رضایت از زندگی دانشجویان دختر بیشتر از پسر می‌باشد. برای آزمون این فرضیه که بین میانگین رضایت از زندگی دانشجویان براساس گروه آموزشی تفاوت معناداری وجود دارد از تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) استفاده کردیم.

جدول ۵: میانگین و انحراف معیار رضایت از زندگی بر اساس گروه آموزشی

مهندسی		علوم پایه		علوم انسانی		متغیرها
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
۲۰/۰۳	۷/۴۹	۲۰/۰۸	۶/۹۴	۲۰/۹۹	۷/۴۹	رضایت از زندگی

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس یک راهه رضایت از زندگی بر اساس گروه آموزشی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی داری
بین گروهی	۷۶/۵۳	۲	۳۸/۲۶	۰/۷۵۵	۰/۴۷۱
درون گروهی	۱۷۶۸۷/۵۸	۳۴۹	۵۰/۶۸		
کل	۱۷۷۶۴/۱۱	۳۵۱			

نتیجه آزمون بیانگر اینست که بین رضایت از زندگی دانشجویان بر اساس گروه آموزشی تفاوت معنی داری وجود ندارد ( $F(2,349) = 0/755, p = 0/471$ ).

#### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک‌های تفکر اجرایی، قضایی، تک‌سالاری، سلسله‌مراتبی، هرج و مرج سالاری، کلی، جزئی، بیرونی و آزادمنشانه با رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما بین سبک‌های تفکر قانون‌گذار، گروه‌سالاری، درونی و محافظه‌کار با رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد. علاوه بر این براساس نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام، از بین متغیرهای پیش بین وارد شده در تحلیل، سبک‌های تفکر قضایی و سلسله‌مراتبی با هم ۵ درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند.

نتایج این یافته با نتایج پژوهش‌های جینتر و همکاران، ۱۹۹۲؛ چن، ۲۰۰۶؛ حسن زهی، شه بخش شریفی (۱۳۹۵)، ضرب استجابی، برماس و بهرامی (۱۳۹۲) و آقاییوسفی و شریف (۱۳۸۹) همسویی دارد. این یافته که بین سبک تفکر اجرایی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد اما بین سبک تفکر قانون گذار با رضایت از زندگی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد جای بررسی و تأمل دارد؛ چرا که فرد دارای تفکر قانون گذار مایل است کارها را به شیوه مطلوب خود انجام دهد و خود تصمیم بگیرد که چه کاری را انجام دهد. بنابراین، خلاق است و چندان به حمایت اجتماعی اطرافیان نیاز ندارد (استرنبرگ، ۱۹۹۷)؛ اما افراد دارای سبک تفکر اجرایی تمایل به پیروی از دستورها دارند و در واقع در یادگیری به صورت مستقل عمل نمی‌کنند. شاید دلیل عمده آن را بتوان در شیوه آموزش افراد که در دوران مدرسه و هم‌چنین دانشگاه بیشتر به صورت سخنرانی و یک سوپه‌ی از بالا به پایین بوده است، دانست. فضای آموزش در نظام آموزشی کشور آمرانه و اقتدارگرایانه است و از طرف دیگر، رفتار دانش‌آموزان و دانشجویان در رابطه با یکدیگر، رقابتی است؛ که از ویژگی‌های بارز آن این است که رقابت‌ها فردی و تکروانه است. دانشجویان از کار گروهی کنارگیری می‌کنند. آنها در کلاس درس، نقش منفعل دارند و نمره و مدرک در مقایسه با کیفیت علم، از ارزش بیشتری برخوردار است. در فرایند یادگیری، مفهوم تجربه و آزمون نظریات و تئوری‌های آموخته، بی‌ارزش است. تکیه بر حفظ کردن مطالب درسی به جای آزمون عملی آن، از سوی معلم و دانشجو، ملاک سنجش است و نیز، برنامه‌های درسی، یکطرفه و غیرقابل انعطاف می‌باشد (صحرائی، ۱۳۸۲؛ طایفی، ۱۳۸۷). در واقع دانشجویان دارای سبک تفکر اجرایی که افرادی مطیع هستند و بدون هیچ انتقادی به تحصیل مشغول می‌شوند و هنجارشکنی نمی‌کنند از دید معلمان و اساتید افراد موفق‌تری هستند، در نتیجه در هنگام ارزیابی میزان رضایت از زندگی خود با توجه به پیشرفت‌های خود و هم‌چنین با توجه به اینکه از سوی اساتید خود تضعیف نشده‌اند، خود را به صورت مطلوبی ارزیابی می‌کنند.

همچنین نتایج آزمون t گروه‌های مستقل نشان داد که میانگین رضایت از زندگی دانشجویان دختر بیشتر از پسر می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های دمیرل (۲۰۱۳)؛ رضایی، بیانی و شریعت‌نیا (۱۳۹۴) و اتابک (۱۳۹۶) هماهنگ و همسو ولی با نتایج پژوهش قهرمان (۱۳۸۹) ناهمسو می‌باشد.

داینر (۱۹۹۳) می‌نویسد: زنان نسبت به مردان هیجانات مثبت بیشتری را گزارش می‌کنند. البته عوامل زیادی در بروز رضایت از زندگی برای هر دو جنس در تحقیقات گذشته اشاره شده که نمی‌توان با صراحت درباره علت این اختلاف در نمرات رضایت از زندگی دانشجویان نظر داد و نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد.

همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه نشان داد که بین میانگین رضایت از زندگی دانشجویان گروه‌های آموزشی مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد ( $p > 0/05$ ). این یافته با نتایج پژوهش قهرمان (۱۳۸۹) هماهنگ و همسو می‌باشد.

ماهیت رشته تحصیلی در بهزیستی ذهنی و رضایت از زندگی دانشجویان نقش داشته و همان گونه که ویژگی‌های افراد در انتخاب رشته تحصیلی تأثیر دارند، تحت تأثیر رشته تحصیلی نیز قرار می‌گیرند. رشته تحصیلی در واقع آینده شغلی، مسیر حرکت آتی فرد، روابط فرد و حتی شخصیت آتی فرد را نیز تعیین می‌کند و می‌تواند زندگی فرد را تغییر دهد و آینده او را تحت شعاع قرار دهند؛ اما در این پژوهش بین رضایت از زندگی دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف تفاوت معناداری وجود نداشت؛ که از جمله دلایل احتمالی آن می‌تواند این باشد که امروزه در رشته‌های علوم انسانی، فنی- مهندسی و علوم پایه از نظر بازار کار تفاوت زیادی وجود ندارد و اکثر رشته‌ها به ویژه در مقطع کارشناسی با مشکل اشتغال مواجهند هرچند وضعیت فنی- مهندسی کمی بهتر است.

از نقاط قوت این پژوهش می‌توان به نمونه‌گیری مناسب با حجم جامعه، که امکان تعمیم یافته‌ها را به پژوهشگران می‌دهد اشاره کرد. از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به کمی بودن روش تحقیق و محدودیت‌های مربوط به این روش، نبود منابع پژوهشی در حیطه موضوع پژوهش (بررسی همزمان سبک‌های تفکر با رضایت از زندگی) اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش‌های پژوهش کیفی و آمیخته برای فهم عمیق ابعاد سبک‌های تفکر با راهبردهای یادگیری، و تفاوت‌های گروه‌های آموزشی از لحاظ راهبردهای یادگیری استفاده شود. همچنین پژوهش حاضر در میان دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است. بنابراین تعمیم این یافته‌ها به مقاطع دیگر باید با احتیاط انجام شود و به پژوهش‌های بیشتری در این زمینه نیاز است.

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نقش با اهمیت متغیر درون فردی مستقل از توانایی (یعنی سبک تفکر) بخصوص سبک‌های تفکر مولد خلاقیت (قضایی، آزادمنش، سلسه مراتبی، کل نگر) را در قلمرو رضایت از زندگی نشان می‌دهد. توجه به جنبه‌های کاربردی پژوهش حاضر نیز اهمیت جالب توجهی دارد. در این راستا استادان می‌توانند با آموزش و ارزیابی یادگیرندگان به شیوه‌هایی که امکان تفکر پیچیده و خلاق را فراهم کند زمینه رشد اشکال خلاق و پیچیده سبک تفکر را در دانشجویان به وجود آورند. بدون تردید اگر استادان استفاده از ابعاد خلاق و پیچیده سبک تفکر را تشویق و ترغیب کنند، یادگیرندگان احساس خودارزشی و اعتماد به نفس بیشتر و نهایتاً رضایت شخصی بالاتری خواهند داشت. علاوه بر این استادان می‌توانند تکالیفی را برای یادگیرندگان طراحی کنند که نیاز به مواجهه عمیق را در آنها بیورانند. در این راستا پیشنهاد می‌شود در محیطی مشابه، انواع سبک‌های تفکر را با رضایت از زندگی با در نظر گرفتن عواملی مانند فرهنگ، تحصیلات والدین، جنسیت، خرده فرهنگ‌های قومی، محلی و ... در دیگر استان‌های کشور اجرا کنند تا زمینه تطبیق نتایج پژوهش‌ها فراهم شود. همچنین با توجه به کمبود شدید تحقیقات بنیادی در زمینه سبک‌های تفکر و رضایت از زندگی و جنبه‌های گوناگون آن در

ایران، توصیه می‌شود به متغیرهایی مانند رشته تحصیلی، وضعیت تأهل، تیپ شخصیتی و به ویژه زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی، خانوادگی، در مطالعات مربوط به سبک‌های تفکر، توجه کنند.

## فهرست منابع

اتابک، رضا (۱۳۹۶). رابطه دینداری با رضایت از زندگی در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فرهنگیان یاسوج. پویش در آموزش علوم انسانی، ۲ (۷)، ۱-۱۵.

امین خندقی، مقصود؛ پاکمهر، حمیده (۱۳۹۰). ارتباط بین سلامت روان و تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد. مجله علمی-پژوهشی اصول بهداشت روانی-دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳ (۵۰)، ۱۱۴-۱۲۳.

آقا یوسفی، علیرضا؛ شریف، نسیم (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های تفکر با بهزیستی شخصی در دانش‌آموزان دختر متوسطه پیش‌دانشگاهی شمال شهر تهران. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات روانشناختی، ۶ (۴)، ۸۵-۱۰۴.

تقریبی، زهرا؛ شریفی، خدیجه؛ سوکی، زهرا؛ تقریبی، لیلا (۱۳۹۱). روانسنجی فرم کوتاه پرسشنامه کیفیت رضایت و لذت از زندگی. پایش، ۱۱ (۲)، ۲۳۵-۲۴۴.

حسن زهی، ناصر؛ شه‌بخش شریفی، شریف (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر و شادکامی معلمان. مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهمین کنگره.

رضایی، طاهره؛ بیانی، علی اصغر؛ شریعت‌نیا، کاظم (۱۳۹۴). پیش‌بینی سلامت روان بر اساس متغیرهای عزت‌نفس، رضایت از زندگی و امید در دانشجویان دانشگاه شاهرود. فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، ۳ (۳)، ۲۵۲-۲۴۲.

سلیمانی، سمیرا؛ رضایی، علی محمد؛ نظری، فاطیما (۱۳۹۴). نقش احساس تنهایی در نگرش دانشجویان به مواد مخدر. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱۱ (۳۵)، ۶۷-۷۷.

شکری، امید، کدیور، پروین، فرزاد، ولی‌اله، سنگری، علی‌اکبر، غنایی، زیبا (۱۳۸۵). نقش رگه‌های شخصیت و سبک‌های تفکر بر پیشرفت دانشجویان: ارائه مدل‌های علی. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۲ (۷)، ۲۱۹-۲۳۵.

شیخی، منصوره، هومن، حیدر علی، احدی، حسن و سپاه منصور، مژگان (۱۳۸۹). مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس رضایت از زندگی. فصلنامه تازه‌های روان‌شناسی صنعتی/سازمانی، ۱ (۴)، ۱۷-۲۵.

صحرايي، فريبا (۱۳۸۲). نظامی کمیت‌گرا: بررسی نظام آموزش عالی ایران در گفت‌گو با کارشناسان صاحب‌نظر و دانشگاهیان. روزنامه همشهری ۸۲/۷/۵.

ضرب استجابی، معصومه؛ برماس، حامد؛ بهرامی، هادی (۱۳۹۲). رابطه سبک های تفکر با رضایت زناشویی و بهزیستی روانشناختی در دانشجویان متأهل. فصلنامه مطالعات روان شناختی، ۹ (۲)، ۱۰۳-۱۳۰.

طایفی، علی (۱۳۸۷). آموزش رسمی و آموزش واپسگرا.

غضنفری، فیروزه (۱۳۸۵). بهزیستی درونی از دیدگاه بین فرهنگی، مجله روانشناسی، ۴(۱۰)، ۴۰۶-۴۲۱.

قهرمان، آرش (۱۳۸۹). بررسی مفهوم رضایت از زندگی و سنجش آن در میان دانشجویان دختر و پسر. دوفصلنامه تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه. شماره ۴، ۸۱-۱۰۶.

محمودیان، حسن؛ صفریان، هادی؛ هاشم زاده واعظ، حسین؛ میرمحمدتبار، سید عبدالله؛ رضوانی فر، شیرین (۱۳۹۴). بررسی رابطه جهت گیری زندگی و اهداف پیشرفت با رضایت از زندگی دانشجویان. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱۱ (۳۵)، ۱۲۳-۱۳۵.

مضفری، شهباز (۱۳۸۲). همبسته های شخصیتی شادمانی ذهنی بر اساس الگوی پنج عاملی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

Chen, I, (2006). Thinking big about Health, Cell,124, 661-663.

Demirel H.(2013). An investigation of the relationship between job and life satisfaction among teachers. Procedia-Social and Behavioral Sciences. 84(9):1255-9.

Diener, E; Sandvik, E; Seidlitz L; & Diener, M.(1993). "The relationship between income subjective well-being: Relative or absolute?", *Social Indicators Research*,V. 28, pp. 195-223.

Grigorenko,e.l.,&Sternberg,r.j.(1997)styles of thinking, abilities, & academic performance.Exceptional children,63,295-312.

kao Gloria Yi-ming.lei pie-lan & sun. chuen-Tsai.(2007)thinking styles impacts on web search strategies. Journal of computers in human behavior,24,1330-1341.

kappe,f.r. boekholt,l. denrooyen.c. vanderflier,h.(2009).A predictive validity study of the multiple, specific learning criteria. Learning & individual differences,19,464-467.

Leischow, S.J, Best, A, Trochim, W.M, Clark, P.I, Gallagher, R.S, Marcus, S.E & Matthews, E, (2008). Systems Thinking to Improve the Public's Health, *American Journal of Preventive Medicine*, 35, 196-203.

Oishi, S. (2000). Goals as cornerstones of subjective well-being: Linking individuals and cultures. *Culture and subjective well-being*, 36(4), 463-470.

Paschall, M.J & Fishbein, D.H, (2002). Executive Thinking cognitive functioning and aggression: a public health perspective, *Aggression and Violent Behavior*,7, 215-235.

Pavot, W., Diener, E., Colvin, C. R., & Sandvik, E. (1991). Further validation of the Satisfaction with Life Scale: Evidence for the cross-method convergence of well-being measures. *Journal of Personality assessment*, 57(1), 149-161.

Sternberg,r.j.(1997) thinking styles. network. comb ridge university press.



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



CIVILICA



- zhang,l.f.,&Sternberg,R.j.(2005).A three model of intellectual styles.educational psychology review,17(1),1-53.
- zhang,li-fang.(2001a).Relationship between Thinking styles inventory &study process questionnaire. Personality &Individual differences,21,841-856.
- zhang,li-fang.(2006) thinking styles &the big five personality traits revisited. journal of personality& individual differences 40,1177-87.
- zhang,li-fang.(2007).the predictive power of socialization variables for thinking styles among adults in the workplace. journal of learning & individual differences,11-18.
- zhang,li-fang.(2009) Anxiety thinking styles. Journal of personality individual differences,47,347-351.
- Zullig, K. J., Valois, R. F., Huebner, E. S., & Drane, J. W. (2005). Adolescent health-related quality of life and perceived satisfaction with life. Quality of Life Research, 14, 1573-1584.

## Study the relationship between thinking styles and life satisfaction students of Ferdowsi University of Mashhad

Houshang Garavand

Assistant Professor, Psychology Department, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran. Email: garavand.h@lu.ac.ir

### Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between thinking styles and life satisfaction in students. The research method was descriptive-correlational. Statistical population included all undergraduate students of Ferdowsi University of Mashhad. The statistical population mentioned a size sample of 352 individuals (30% male and 70% female) were selected by random stratified relative. Research instruments were the Thinking Styles by Sternberg and Wagner (1992), and satisfaction Life Scale, Diener et al. In order to analyze the data, Pearson correlation coefficient, stepwise multiple regression, independent t-test and analysis of variance were used. The results of Pearson correlation coefficient showed that there is a positive and significant relationship between executive, judicial, monarchic, hierarchical, anarchic, global, local, external and liberal thinking styles with life satisfaction ( $p < 0.01$ ); But there is no significant relationship between legislative, oligarchic, internal and conservative thinking styles with life satisfaction ( $p < 0.05$ ). In addition, based on the results of stepwise multiple regression analysis, among the predictor variables included in the analysis, judicial thinking and hierarchical styles together explain 5% of the variance in life satisfaction. Also, the results of independent t-test showed that the average life satisfaction of female students was higher than male ( $p < 0.05$ ). Also, the results of one-way analysis of variance test showed that there is no significant difference between the mean life satisfaction of students in different departments ( $p < 0.05$ ).

**Keywords:** thinking styles, life satisfaction, students.